

# ببخندک



## جشن تولد

تولد بچه مگس بود. دوستانش  
را دعوت کرد. توی سطل آشغال،  
جشن تولد گرفت.

محمد حسن حسینی



## ناهار خوش مزه

عنکبوت کوچولو پرسید: مامانی  
ناهارچی داریم؟  
مامانش گفت: مگس پلو با سالاد پشه!

شکوه قاسم نیا



## هه هه هه!

خال خالی به مارمولک گفت:  
«آخه تو کجاییت شبیه مار است؟»  
مارمولک گفت: «خُب معلومه، اول  
اسمم! هه هه هه!»

شراره وظیفه‌شناس



## اسم تازه

خرمگس از خرها خوشش  
نمی آمد، اسم خودش را  
گذاشت: گاو مگس.

طاهره خردور

# موشکولو

شهرام شفيعی  
تصويرگر سيد ميثم موسوی

## هواپیما

موشکولو و مامانش می خواستند بروند مهمانی.  
موشکولو گفت: «کاش من هواپیما بودم!»  
مامان گفت: «چرا دوست داری هواپیما باشی؟»  
موشکولو گفت: «چون هواپیماها جوراب نمی پوشند!»



## تعطیل است

موشکولو می خواست شیرینی بخرد.  
پشت شیشه نوشته بود: «شیرینی فروشی تعطیل است.»  
مگس ها داشتند روی شیرینی ها راه می رفتند. موشکولو گفت: «مگس ها نمی دانند شیرینی فروشی تعطیل است!»



## کوه

یک روز، آدامس موشکولو چسبید به کوه.  
موشکولو گفت: «من خیلی قوی هستم... الان کوه را از آدامس، می گنم!»



## جوجه ی ترسو

جوجه، گربه را دید. هول شد و گفت: «جیو جیو، من گربه ام!»  
ناصر نادری



## آب

آب دریا کثیف بود. ماهی رفت و برای خودش آب معدنی خرید.

محمد رضا شمس